سکه های
هخامنشیان

SOURCE:WWW.SEKEHA.COM

COLLECTED:ALI.D

WWW.FELEZJOO.COM

(کوروش بزرگ (550 تا 530 پ.م

کوروش دوم هخامنشی مشهور به کوروش بزرگ، بنیانگذار و نخستین شاه شاهنشاهی هخامنشی بود هیچ سندی از تاریخ دقیق تولد کوروش بزرگ در دست نیست او در حدود 576 سال پیش از میلاد مسیح در ایران به دنیا آمد. پدر او کمبوجیه یکم از شاهان انشان بود. نویسندگان یونانی، ماندانا دختر آستیاگ را مادر کوروش دانسته‌اند و گزارش داده‌اند که کوروش حاصل ازدواج کمبوجیه یکم و ماندانا بوده‌است.

کوروش ابتدا بر علیهٔ شاه ماد طغیان کرد و سپس به پایتخت حکومت ماد در هگمتانه یورش برد و با کمک‌هایی که از درون سپاه ماد به او شد، هگمتانه را فتح کرد. سپس در سال 546 پیش از میلاد، کشور لیدي را تسخیر نمود و اکثر مناطق یونانی نشین را زیر سلطهٔ خود در آورد و دستور داد تا نواحی تصرف شده که در آنها ضرب سکه‌رایج بود ، مثل قبل به‌ضرب سکه های محلی ادامه دهند. در بسیاری از موزه ها دیده شده که سکه هایی با شکل سکه های کرزوس را به کوروش نسبت داده اند ،ارنست بابلون نیز عقیده دارد که به غیر از سکه های سلطنتی کرزوس که در ضرابخانه سارد ضرب می شده، تمامی سکه های لیدی تا پایان دوران حکومت کمبوجیه رایج بوده است. و حتی در کتاب خود به ضرب سکه های کوروش و کمبوجیه‌در همان ضرابخانه های سارد اشاره کرده است.در بهار سال 539 پیش از میلاد، کوروش آهنگ تسخیر بابل را کرد و وارد جنگ با بابل شد. به گواهی اسناد تاریخی و عقیدهٔ پژوهشگران، فتح بابل بدون جنگ بوده‌است و توسط یکی از فرماندهان کوروش به‌نام گئوبروه در شب جشن سال نو انجام شد.

به گفته هرودوت، کوروش در جنگ با ماساگتها کشته شد؛ ولی این دیدگاه را اکثر مورخان‌جدید رد می‌کنند و معتقدند که داستان هرودوت ساختگی است. تنها منبع موثق کهنی که غیرمستقیم به مرگ کوروش اشاره می‌کند، دو لوح و سند گلی یافت‌شده در بابل است که نخستین آن مربوط به دوازدهم اوت 530 پیش از میلاد است که تاریخ آن «نهمین سال کورش، شاه کشورها» را نشان می‌دهد. سند دوم که مربوط به سی و یکم اوت 530 پیش از میلاد است، «سال آغاز فرمانروایی کمبوجیه، شاه کشورها» را بر خود دارد. این دو سند که در ظاهر اهمیت چندانی ندارند، در واقع نشان می‌دهند که کوروش در فاصلهٔ بین 12 تا 31 اوت سال 530 پیش از میلاد درگذشته‌است و یا حداقل، خبر درگذشت وی و بر تخت‌نشینی کمبوجیه در این تاریخ به بابل رسیده‌است.

سکه استاتر طلا که به کوروش بزرگ نسبت داده شده ، وزن این سکه 8.05 گرم و قطر آن در حدود 16 میلیمتر می باشد

سکه نقره که به کوروش بزرگ نسبت داده شده ، وزن این سکه 5.29 گرم و قطر آن در حدود 15 میلیمتر می باشد

(داریوش یکم (522 تا 486 پ.م

داریوش پسر ویشتاسپ، معروف به داریوش بزرگ ، سومین پادشاه هخامنشی بود، که در سال 522 پیش از میلاد ، با کمک نجیبزادگان پارسی با کشتن (گئومات مغ) که به نام بردیا فرزند کوروش بزرگ بر تخت نشسته بود سلطنت را به خاندان هخامنشی بازگرداند. پس از آن شورش های داخلی را سرکوب کرد. نظام شاهنشاهی را استحکام بخشید و سرزمین هایی چند به شاهنشاهی ایران افزود. آغاز ساخت پارسه (تخت جمشید) در زمان پادشاهی او بود. از دیگر کارهای او حفر ترعه‌ای (کانال) بود که دریای سرخ را به رود نیل و از آن طریق به دریای مدیترانه پیوند می‌داد. آرامگاه او در دل کوه رحمت در مکانی به نام نقش رستم در مرودشت فارس (نزدیک شیراز) است. علاوه بر تمام کار های درخشان که انجام داد، به منظور رونق کار تجارت و بازرگانی، و آسان کردن داد و ستد، سکه ی (دریک) را ضرب کرد. این سکه نخستین سکه ضرب ایران بود که 98 درصد آن زرناب بود. سایر سکه‌ها براساس این سکه سنجیده می‌شد و فقط پادشاه بزرگ حق ضرب سکهء طلا را داشت. او همزمان به ضرب سکه نقره (شکل) نیز اقدام کرد. شکل در حدود 5.6 گرم وزن داشت و معادل یک بیستم سکه دریک ارزش داشت. به منظور افزایش و رونق داد ستدهای بازرگانی و تجاری در تمامی نقاط امپراتوری ایران، اجازه ضرب سکه های نقره به ساتراپ‌ها داده شد. سکه های ساتراپ‌ها، سکه ی ایالتی با تصویرهای مختلف از شاهان محلی و شاهنشاه پارس بود. پرداخت مالیات به نقره بود و طلا به دولت ساتراپ‌ها در زمان لشگرکشی‌ها، برای پرداخت حقوق سربازان در شهرهایی مثل فینیقیه و کلیکیه و بعضی شهرهای .تعلق داشت تجاری دیگر،سکه‌های نقره و مس ضرب می‌کردند. شمش‌های طلا که در گنجینه ذخیره می‌شدند، فقط زمانی به صورت سکه ضرب می‌شدند که پادشاه دستور می‌داد.

سکه های داریوش در سه نوع دیده شده اند. یک: سکه شکل با نیم تنه داریوش که کمان در دست دارد. دو: سکه دریک و شکل با تصویر کماندار پارسی که کمان در دست چپ و نیزه بر دست راست دارد. سوم: سکه دریک و شکل با تصویر کماندار پارسی در حال شلیک تیر از کمان.

سکه دریک از جنس طلا با وزن 8.35 گرم، با نقش کماندار پارسی، ضرب شده در دوران داریوش یکم و یا خشایارشا یکم

سکه دریک از جنس طلا با وزن 8.42 گرم، با نقش کماندار پارسی در حال شلیک تیر از کمان، ضرب شده در دوران داریوش یکم و یا خشایارشا یکم

سکه شکل از جنس نقره با وزن 5.6 گرم، با نقش نیم تنه داریوش که کمانی در دست چپ دارد

سکه شکل از جنس نقره با وزن 5.63 گرم، با نقش کماندار پارس ، ضرب شده در دوران داریوش یکم و یا خشایارشا یکم

سکه شکل از جنس نقره با وزن 5.56 گرم، با نقش کماندار پارسی در حال شلیک تیر از کمان، ضرب شده در دوران داریوش یکم و یا خشایارشا یکم

(خشایارشاه یکم (486 تا 465 پ.م

داریوش از بین پسران بسیاری که داشت خشایارشا را به جانشینی برگزید، خشایارشا بزرگترین فرزند داریوش از زن دومش آتوسا دختر کوروش بود. بعد از درگزشت داریوش، خشایارشا در سال 486 پیش از میلاد در سن 35 یا 36 سالگی به شاهنشاهی رسید. همسر وی هماچهر نام داشت که دختر هوتن یکی از یاران داریوش بود. خشایارشا شورش مصر و بابل را سرکوب کرد و برادرش، هخامنش را به جای (فرداد) که چنین برمی آید که در شورش کشته شده باشد به شهربانی مصر گماشت.
خشایارشا در آغاز سال 480 پیش از میلاد به سوی یونان روانه شد. ارتش ایران را نیروی دریایی پشتیبانی می کرد. آتنی ها نیز دارای ناوگانی نیرومند بودند که می توانست با نیروی دریایی ایران به جنگ بپردازد. خشایارشا بی برخورد با پایداری به سوی آتن در یونان پیش رفت تا به تنگه ترموپیل رسید که درآنجا به جهت تنگی بیش از اندازه، یونانی ها(اسپارتی ها به فرماندهی شاهشان لئونیداس) راه را بر ارتش ایران بستند.سوران ارتش به شناسایی منطقه پرداخته، میانبری که از پشت تنگه در می آمد را یافتند. پس از آن بسیاری از یونانیان از ترموپیل گریختند و تنها اسپارتیان در تنگه ماندند و همه در جنگ کشته شدند.
پس از گذر از ترموپیل راه آتن به روی ارتش ایران باز شد، هنگامی که خشایار شاه از مقدونیه به آتن درآمد بسیاری از مردم آن، از شهر کوچ کرده بودند گروهی بر این باورند که خشایارشاه در آتن به تلافی آتش سوزی سارد بخشی از شهر را آتش زد. از این پس سیر روی دادها دارای پیچیدگی بسیاری است چراکه نمی توان حقیقت را از ژرفای نوشته های یونانیان بدست آورد. آنچه می توان گفت این است که آتنیان که نمی توانستند در خشکی به برابر ارتش ایران درآیند، با نیروی دریایی ایران درنزدیکی سالامین، که از روی تنگی نیروی ایران نمی توانست کشتی های بسیاری را به جنگ درآورد درگیر شدند، چون این برخورد نتیجه ای در برنداشت، تیمیستوکل رهبر آتن به همراه گروهی به نزد خشایارشا رفتند، که در طی آن توانستند که خودمختاری آتن را بدست آورند. خشایار شاه پس از آن به آسیا بازگشت.

اختلاف تصویر این شاهنشاه با تصویر داریوش یکم به واسطة بزرگي سرو بر جستگي گونه و ریش بلند و نوک تیز واضح است، اما این اختلاف ها دلیل محکمی برای جداسازی سکه های داریوش یکم از سکه های خشایارشا یکم، نیست. پشت تمامی سکه ها یک فرورفتگي نا منظم و مستطیلي شکل وجود دارد . سکه شیکل به وزن 5.5 گرم و سکه دریک خشایارشا به همین طرح و به وزن

. 8.4 گرم است

خشایارشا پس از 21 سال سلطنت، توسط یک خواجه به نام میترا یا اسپنت میترا و رئیس گارد سلطنتی به نام اردوان که با یکدیگر همدست شده‌بودند، در خوابگاه خویش کشته شد. سپس اردوان پسر بزرگ خشایارشا داریوش را کشت. چون پسر دوم پادشاه، ویشتاسپ که والی باکتریه بود، نیز از پایتخت دور بود، اردوان چند ماه سمت نیابت سلطنت داشت. او بطور موقت، اردشیر، پسر سوم خشایارشا را بر تخت نشاند و خودش از طریق پسران خویش قصد داشت به هنگام‌فرصت وی را نیز از میان بردارد، اما اردشیر از این توطئه آگاهی یافت و در دفع او پیشدستی کرد. در طی یک زد و خورد داخلی که در چهار دیوار حرمخانه در گرفت، اردشیر، اردوان و پسرانش را کشت و خود را شاهنشاه خواند.

سکه دریک از جنس طلا با وزن 8.41 گرم، با نقش کماندار پارسی، ضرب شده در دوران خشایارشا یکم و یا داریوش یکم

سکه‌شکل از جنس نقره با وزن 5.53 گرم، با نقش کماندار پارس ، ضرب شده در دوران خشایارشا یکم و یا داریوش یکم

(اردشیر یکم (465 تا 424 پ.م

اردشیر یکم معروف به اردشیر درازدست، سومین پسر خشایارشا بود. پس از به قتل رسیدنِ پدر و برادرش داریوش که جانشینِ اردوان از طریق پسران خویش قصد داشت به هنگام .قانونی بود، به دستِ اردوان فرمانده گارد نگهدار شاه، بر تختِ شاهی نشست فرصت اردشیر را نیز از میان بردارد، اما اردشیر از این توطئه آگاهی یافت و در دفع او پیشدستی کرد. در طی یک زد و خورد داخلی که در چهار دیوار حرمخانه در گرفت، اردشیر، اردوان و پسرانش را کشت و مقام شاهنشاهی خود را تثبیت کرد. این پادشاه نیز مثل داریوش بزرگ و خشایارشا در تاریخ یونان، جای ویژه ای برای خود باز کرده است. علت این امر آنست که او مثل خشایار شاه با همه حکام شهرهای یونانی روابط بسیار نیکو برقرار کرده برای آنها هدایای چشمگیر میفرستاد تا اطاعت و محبتشان را نسبت به دربار ایران بر دوام بدارد.

در سال 460 پ.م، آشفتگی هایی در مصر بروز کرد و یکی از بقایان خاندان فرعونان بنام (ان حوروس) پسر پسامتیک که در نقطه ای از لیبیا حکومت داشت با سپاهی که سربازانش، لیبیایی ها و مزدوران یونانی بودند به ممفیس حمله برده، شهریار پارسی را که برادر شاه بود، شکست داد و او را کشت. در نتیجه ممفیس را گرفته و به احیای سلطنت مصر پرداخت. او با آتن نیز که در زمانی، اردشیر برای .بخشی از مصر شناخته میشد،تماس گرفته، سران آتن را تحریک به شوراندن یونانی ها بر ضد سلطه ایرانیان کرد .جلوگیری از اثر گذاری احتمالی (ان حوروس) در شام و فلسطین اقدامات اثر بخش دینی و مذهبی، انجام داد

در سال 449 پ.م، قراردادِ عهدنامه کالیاس در زمان وی میان ایرانیان و یونانیان بسته شد. و در آن منافعِ ایرانیان تامین شده بود. البته برخی از مورخان نیز این قرارداد را برای ایرانیان وهن آمیز معرفی کرده‌اند. طبق این معاهده یونانیان آسیای صغیر در امور داخلی به کلی مختار شدند و یونانیان نیز از جزیرهٔ قبرس صرف نظر کردند. در اواخر سلطنت اردشیر، جنگ داخلی مابین دو دولت یونانی آتن و اسپارت شروع شد. این جنگ به جنگ پلوپونس معروف است.

گفته شده که سکه های .سکه های اردشیر یکم از لحاظ ساختار کلی، بسیار شبیه به سکه های داریوش بزرگ و خشایارشا است .دریک و شکل داریوش و خشایارشا، در دوران اردشیر نیز رواج داشته است

در دوران 41 ساله سلطنت اردشیر یکم، ایران مثل دوران داریوش بزرگ و خشایارشا، همچنان شوکت و قدرتش را در جهان حفظ کرد و از تمدن خاورمیانه به بهترین نحو، پاسداری نمود.

با کمی تردید می توان این سکه دریک را به اردشیر یکم نسبت داد. وزن حدود 8.54 گرم و نقش کماندار پارسی روی سکه حک شده است.

با کمی تردید می توان این سکه شکل را به اردشیر یکم نسبت داد. وزن حدود 5.46 گرم و نقش کماندار پارسی روی سکه حک شده است.

(داریوش دوم، (423 تا 403 پ.م

نوشته شده است. (او تا پیش از پادشاهي، فرماندار ایالت هورکانیا (گرگان) بود، نام اصلي وي، در منابع کهن (وَهاوکا) یا (وَهوکه پدر وي اردشیر یکم و مادرش یک زن بابلي بود. پس از پادشاهي کوتاه خشایارشاي دوم، سغدیانوس بر تخت نشست، سغدیانوس به برادر خود وهوکه ظنین شده ، او را به دربار احضار کرد. اما (وَهوکه) که قصد سو برادرش را دریافته بود، در رفتن تعلل ورزید و ، آرکسانس (چیزی نگذشت که وی با فراهم آوردن سپاهی، با ارباریوس(سردار سواره نظام .پیوسته وعده داد که به زودی خواهد آمد (والی مصر) و یکی از خواجه های اردشیر به نام آرتکسارس (که به ارمنستان تبعید شده بود) متحد شد و قدرت را دربابل به دست گرفت و با نام پادشاهی داریوش دوم ، تاج بر سر نهاد. سغدیانوس که توان مقابله با او را نداشت، گریخت. اما داریوش دوم با نیرنگ .او را به دام انداخت و کشت

داریوش دوم به دولت اسپارت که علیه دولت آتن می‌جنگید، کمک‌های شایانی نمود و در اثر همین منازعات و اشتغال حریفان در جنگ پلوپونزوس بود که یونانیان آسیای صغیر و برخی از جزایر یونانی‌نشین که از زمان صلح کالیاس مستقل شده بودند، دوباره فرمانبردار ایران گردیدند. این پیروزی‌های به اصطلاح دیپلماتیک این عیب را هم داشت که سپاه ایران را بیکار می‌گذاشت و تجربه نشان می‌دهد که در تاریخ امپراتوری‌های بزرگ، وقتی ارتش یکچند بیمصرف بماند، مانند تیغی در غلاف مانده، زنگ می‌زند و .طولی نکشید که داریوش سوم، در زمان حملهٔ اسکندر تلخی این واقعیت را چشید

در زمان داریوش دوم در سال 411 پیش از میلاد، مصر به بهانهٔ جانبداری ساتراپ مصر، از یهودیان مصر، اعلام شورش کرد. مصری‌ها با وجود اختلاف داخلی و عدم قدرت و مهارت نظامی، این بار توانستند، سرزمین خود را تا نزدیک به شصت سال بعد از .تصرف ایران بیرون آورند. مصر دوباره در زمان اردشیر سوم به تصرف ایران در آمد

داریوش دوم در سال 403 پیش از میلاد، پس از مدت 19 سال پادشاهی، بر اثر بیماری درگذشت.

.سکه دریک را با کمی تردید به داریوش دوم نسبت داده اند. وزن حدود 8.42 گرم و نقش کماندار پارسی روی سکه حک شده است

سکه شکل را با کمی تردید به داریوش دوم نسبت داده اند. وزن حدود 5.62 گرم و نقش کماندار پارسی روی سکه حک شده است.

کورش جوان برادر کوچک ارشک (اردشیر دوم) بود، او چون در زمان سلطنت داریوش دوم متولد شده بود، جانشینی را حق خود می‌دانست. پریزاتس (مادر کورش جوان و اردشیر دوم) نیز ظاهرا نسبت به کورش جوان علاقهٔ بیشتری نشان می‌داد. مرگ داریوش دوم چون زودتر از آنچه انتظار می‌رفت روی داد و پریزاتس نتوانست پسر محبوب خود کوروش را به جانشینی برساند. و ارشک با نام اردشیر دوم به پادشاهی رسید.

پادشاهی اردشیر دوم، درست از روز تاجگذاری با سوءقصدی که برادرش کوروش جوان در معبد آناهیتا در پاسارگاد نسبت به جان وی کرد و بی‌نتیجه ماند، در یک رشته توطئه‌های خونین و تمام‌نشدنی فرو رفت. فقط حمایت پریزاتس سبب شد که سوء قصدکننده، از حکم اعدام برهد و حتی به اصرار مادر والبته بعد از قول و قراری که جهت اطمینان شاه داده شد، اردشیر به کوروش اجازه داد به آسیای صغیر (بخش‌های غربی ترکیهٔ امروزی) و مقر حکومت خویش برگردد. کوروش هم که بلافاصله حرکت کرد. کوروش جوان تصمیم گرفت برای نقشه خود ارتشی ایجاد کند. او 13 هزار سرباز یونانی و عده ای از اسپارتی ها را استخدام کرد. سپاه یونانی کوروش جوان تحت فرماندهی آرکوس يك سردار اسپارتی بود که همراه آنها تحت عنوان هوپلیت (پیاده نظام سنگین) از سارد به طرف بابل به حرکت درآمد و در محلی به نام (کوناکسا) با نیروی اردشیر دوم برخورد کرد. در ساعات نیمه شب بامداد سپاه یونانی کوروش به محلی که قصد توقف داشت رسید. در تقابل دو سپاه نبرد سختی درگرفت که سرنجام با کشته شدن کوروش جنگ و تلفات زیادی بر سپاه کوروش جنگ به پایان رسید. اردشیر دوم هم در جنگ زخمی شد.

سکه هایی از دوران هخامنشی کشف شده که کماندار پارسی روی سکه، بدون ریش است. بیشتر سکه شناسان این سکه ها را به کوروش جوان نسبت داده اند. این نظر به خاطر سن کم کوروش بوده است. متاسفانه تصویری از این سکه در دست نیست تا به نمایش گذاشته شود.

(اردشیر دوم (403 تا 358 پ.م

نام اصلی وی ارشک بود . اما چون به قدرت رسید ، نام اردشیر را بر خود نهاد . یونانیان به او لقب منمون به معنای (با حافظه) داده اند ، و معتقد بودند که اردشیر از حافظه بسیار قویی برخوردار است ، اما برخی دیگر گفته اند این لقب از آن جهت بوده که وی یاد آور نام پدربزرگش (اردشیر یکم) بوده است . کوروش برادر کوچکتر داریوش دوم محسوب می شد و از کودکی رفتاری تند و پرخاش جویانه داشت ، و حال آنکه ، اردشیر از طبعی ملایم و رحیم برخوردار بود ، ملکه «پریزاتس» (مادر کورش جوان و اردشیر دوم) به دلیل دلسردی از اردشیر تصمیم داشت پسر کوچکتر خود کوروش را جانشین داریوش دوم نماید ، اما داریوش نپذیرفت ، و کوروش را والی لیدی و نواحی دریایی آن کرد. پس از درگذشت داریوش دوم ، اردشیر دوم به شاهی رسید، درست از روز تاجگذاری با سوءقصدی که برادرش کوروش جوان در معبد آناهیتا در پاسارگاد نسبت به جان وی کرد و بی‌نتیجه ماند، در یک رشته توطئه‌های خونین و تمام‌نشدنی فرو رفت. فقط حمایت ملکه پریزاتس سبب شد که سوء قصدکننده، از حکم اعدام برهد و حتی به اصرار مادر والبته بعد از قول و قراری که جهت اطمینان شاه داده شد، اردشیر به کوروش اجازه داد به آسیای‌صغیر (بخش‌های غربی ترکیهٔ امروزی) و مقر حکومت خویش برگردد. کوروش هم که بلافاصله حرکت کرد. کوروش جوان تصمیم گرفت برای نقشه او 13 هزار سرباز یونانی و عده ای از اسپارتی ها را استخدام کرد. سپاه یونانی کوروش جوان تحت .خود ارتشی ایجاد کند فرماندهی آرکوس یك سردار اسپارتی بود که همراه آنها تحت عنوان «هوپلیت» (پیاده نظام سنگین) از سارد به طرف بابل به حرکت درآمد و در محلی به نام (کوناکسا) با نیروی اردشیر دوم برخورد کرد. در ساعات نیمه شب بامداد سپاه یونانی کوروش به محلی که قصد توقف داشت رسید. در تقابل دو سپاه نبرد سختی درگرفت که سرنجام با کشته شدن کوروش جنگ و تلفات زیادی‌بر سپاه .کوروش جرنگ به پایان رسید . اردشیر دوم هم در جنگ زخمی شد

اردشیر در سال 394 پیش از میلاد سپاه اسپارت را نیز شکست سختی داد و نفوذ شاهنشاهی ایران در یونان به اعلی درجه خود رساند ، سرانجام اسپارت مجبور شد تا سفیرانی را برای انعقاد پیمان صلح به نزد اردشیر گسیل دارد و پهان آنتالسیداس منعقد گردید .در سال 386 پیش از میلاد شورش قبرس را فرو نشانید ، شاهان هخامنشی تا زمان اردشیر دوم ، همواره در کتیبه هایشان تنها از اهورا مزدا یاد می کردند . لیکن اردشیر دوم در کنار نام اهورامزدا ، نام میترا و آناهیتا را نیز در کتیبه هایش بکار برد و به تقویت و گسترش پرستشگاه های میترا و به ویژه آناهیتا در کشور پرداخت ، اردشیر دوم به قول برخی از مورخین 360 زن عقدی و غیر اردشیر که روزگار پیری خود را در میان توطئه های درباری و جنایات پسرانش . عقدی داشت و صاحب 150 پسر و دختر شده بود می گذارنید ، به قدری شکسته و ناتوان شده بود که با شنیدن خبر مرگ یکی دیگر از پسرانش ارشام به دست دیگر برادرانش ، تاب .مقاومت در خود ندید و از شدت درد و اندوه در سال 358 پیش از میلاد درگذشت .مدت حکومت او 46 سال بود

(اردشیر سوم (358 تا 338 پ.م

بنا به روایتی اردشیر دوم، یکصد و پانزده فرزند داشت که بیشترشان در عهد حیات پدر مردند. چهار پسر نامی او، عبارت بودند، از اردشیر سوم) و پسر دیگری)سه پسر که از ملکه استاتیرا همسر اردشیر دوم باقی مانده بودند، به نامهای داریوش، آریاسپ، و اُخُس به نام آرسام (آریورات) که شاه محبت زیادی در حق او داشت. داریوش، بخاطر توطئه برای قتل پدر، به دستور اردشیر دوم کشته آریاسپ پسر دیگر اردشیر دوم، با توطئه‌ای که اُخُس (اردشیر سوم) با همکاری عمال درباری ترتیب داد و به او چنین تلقین .شد کردند که شاه درصدد کشتن اوست، چنان متوحش شد که از ترس خود را کشت. آرسام نیز چون خیلی محبوب‌تر از اُخُس بود، به دست کسی که اخوس، وی را، تحریک کرده بود، کشته شد. به این ترتیب اُخُس، بعد از پدر و با نام اردشیر سوم بر تخت نشست. به .همین سبب در میان یزرگان و مردم منفور شد

وی در زمان پادشاهی خود شورش های بسیاری را سرکوب نمود از جمله شورش کادوسیان ، شورش شهربانان ، شورش فنیقیه و از دیگر کارهای اردشیر بعد از فرو نشاندن شورشها ، فتح مصر بود . دیودور روایت کرده که باگواس خواجه که سخت .قبرس مورد اعتماد اردشیر سوم بود و شاه ایران با مشوذت او هیچ کاری انجام نمیداد ، به علت شقاوت بیش از حد اردشیر سوم ، طبیبی را آلت دست قرارداده ، به اردشیر زهر خورانید .حتی گفته می شود که کینه باگواس نسبت به اردشیر آنقدر زیاد بود . که پس از قتل او جسدش را ریز ریز کرده به سگها خوراند . مرگ اردشیر سوم در 338 پیش از میلاد رخ داده و مدت حکومت وی نیز 20 سال بوده .است

نقش سکه های اردشیر سوم بسیار شبیه به سکه های اردشیر دوم است. نیم رخ اردشیر با ریش بلند و نوك تیز با موهاي پر پشت که گوشها و پشت گردن را به خوبي پوشانده است و تشخیص سکه هاي این شاهنشاه با سکه های اردشیر دوم بسیار دشوار است. پشت سکه فرورفتگي نا منظم دارد . سکه اي از این پادشاه وجود دارد که به جاي آنکه مانند معمول نیزه به دست داشته باشد دستش را بلند کرده است.

سکه دریک از جنس طلا با وزن 8.41 گرم، با نقش کماندار پارسی با کمان و نیزه، ضرب شده در دوران اردشیر دوم و یا اردشیر سوم

سکه دریک از جنس طلا با وزن 8.41 گرم، با نقش کماندار پارسی با کمان و خنجر، ضرب شده در دوران اردشیر دوم و یا اردشیر سوم

سکه شکل از جنس نقره با وزن 5.49 گرم، با نقش کماندار پارسی با کمان و نیزه، ضرب شده در دوران اردشیر دوم و یا اردشیر سوم

سکه شکل از جنس نقره با وزن 5.56 گرم، با نقش کماندار پارسی با کمان و خنجر، ضرب شده در دوران اردشیر دوم و یا اردشیر سوم

(داریوش سوم (338 تا 330 پ.م

باگواس خواجه، پس از کشتن اردشیر سوم، چنین صلاح دید که فردی را به شاهی برگزیند که هم از خاندان هخامنشی باشد و هم فردی دور از دربار بوده باشد ، تا بتواند خودش زمام امور را در دست داشته باشد. از اینرو داریوش را که از شاخه فرعی خاندان هخامنشی بود ، به قدرزت رسانید ، اما مدتی بعد داریوش حاضر به تمکین از باگواس خواجه نشد ، باگواس که انتخاب خود را اشتباه می دید درصدد بر آمد تا داریوش را نیز به قتل برساند . اما داریوش از قصد او آگاه شد و باگواس را به نزد خود خوانده ، دستور داد . تا در حضور او زهری را که تهیه کرده بودند بنوشد . باگواس نیز به ناچار چنین کرد و درگذشت

در آغاز سلطنت داریوش سوم شورشی در سال 334 پیش از میلاد به وقوع پیوست که داریوش آنرا سرکوب نمود . اسکندر مقدونی در سال 335 قبل از میلاد پس از درگذشت پدرش، فیلیپ دوم جانشین او گشت و بدون هیچ تردیدی توانست یونان را مجبور کند او را سپهسالار کل یونان بشناسند ، داریوش بعد از درگذشت فیلیپ خیالش از بابت مقدونیه راحت شده بود ، اما چندی نگذشت که با آگاهی از فتوحات اسکندر ، داریوش به فکر جنگ افتاد و خود را آماده ساخت. در بهار 334 پیش از میلاد اسکندر بدون هیچگونه ممانعتی از جانب ایرانیان از تنگه داردانل گذشت و وارد آسیای صغیر شد. اسکندر پس از دو جنگ خونین خود را پیروز دید و او در اخرین نبرد به نام گوگمل در سال 331 پیش از میلاد رخ داد. با دراوایل جنگ به لطف .خانواده و خیشاوندان شاه را اسیر کرد ارابه های داس دار کار به نفع ایرانیان بود اما اینبار نیز اسکندر به قلب سپاه ایران زد و با نیزه گردونه شاه را هدف گرفت، گردونه در گردونه نشست ، اما بجای جنگ راه فرار را "سرنگون شد ، و سپاهیان پنداشتند داریوش کشته شده اما داریوش به زحمت مجددا در پیش گرفت، او عازم سفری بی بازگشت به ماد شد ، درست در همین لحظه سلطنت هخامنشی به پایان رسید ، وگرنه مرگ پس از اسکندر رو به سوی پارس نمود و تخت .داریوش در اندکی بعد، تنها در حد پدید آوردن یک صحنه درآماتیک بود وبس جمشید و گنجینه های عظیم شاهی را تصاحب نمود، سپاهیان اسکندر نیز به درون شهر پارسه ریخته و شروع به غارت و تجاوز و کشتار نمودند ، بسیاری از اهالی شهر با دیدن آن شهر دست به خودکشی زدند و خانه های خود را سوزاندند، گفته می شود در جشنی که بعدا مقدونی ها برگزار کردند یکی از زنان بدکاره آتنی به نام تائیس ، اسکندر را در حال مستی وادار کرد تا کاخ تخت جمشید را به آتش بکشد ، خواه بدینگونه بود خواه اسکندر برای جبران گزشته دست به اینکار زد ، تخت جمشید دیگر کمر راست نکرد ، اما ویرانه های آن همچنان باقی است تا برای برخی مایه عبرت و برای برخی دیگر افسوس شود. اسکندر در سال330 پیش از میلاد

برای به چنگ آوردن داریوش به سوی همدان رفت، سرداران خائن داریوش که از آمدن اسکندر خبر دار شدند ، در هراس افتاده ، زخمهای مهلکی به داریوش زدند ، او را در حالت احتضار رها ساخته و گریختند، اسکندر در آخرین لحظات حیات داریوش سوم در حوالی دامغان به بالین او رسید. و بدین شکل سلسله هخامنشی با مرگ داریوش سوم به پایان رسید.

داریوس سوم علاوه بر سکه دریک و شکل، دو دریکي و نیم دریکي نیز ضرب کرده است و نقش روي سکه بیشتر به شکل کماندار پارسی می باشد. به نظر میرسد کماندار شخص شاهنشاه است، و در بعضی از سکه های او کماندار به جاي نیزه خنجر به دست گرفته است. در پشت سکه براي نخستین بار به جاي مربع فرورفته نا منظم دو هلال و برجستگي هاي موجي شکل یا قسمتي از بدنة کشتي نفر گردیده است. سکه هاي این شاهنشاه پس از انقراض امپراطوري هختامنشي نیز رایج بوده و گفته شده که تا مدتي ضرب آنها ادامه داشته است.

سکه دو دریک را به داریوش سوم نسبت داده اند. وزن حدود 16.65 گرم و نقش کماندار پارسی و پشت او دو حرف یونانی شبیح به حک شده است A , Y.

سکه دریک را به داریوش سوم نسبت داده اند. وزن حدود 8.35 گرم و نقش کماندار پارسی و پشت او دو حرف یونانی حک شده است.

با کمی تردید تردید می توان این سکه شکل را به داریوش سوم نسبت داد. وزن حدود 5.51 گرم و نقش کماندار پارسی روی سکه حک شده است

سکه یک هشتم شکل با وزن 0.7 گرم و قطر آن 10 میلیمتر است. ممکن است در دوران داریوش سوم ضرب شده باشد. نقش کماندار پارسی روی سکه حک شده است.

با کمی تردید می توان این سکه شکل را به داریوش سوم نسبت داد. وزن حدود 5.6 گرم و نقش کماندار پارسی با خنجری در دست راست روی سکه دیده میشود